

فلاسه و نکات کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی

● جلسه چهارم: ایمان زاینده و همراه با تعهدات عملی

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۗ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾ (حج/٧٨)

و در راه خدا آنگونه که سزاوار اوست جهاد کنید، او شما را برگزید و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتاب های پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم. پس نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و به خدا تمسک جوید، که او سرپرست (و یاور) شماست، چه سرپرست خوبی و چه یاور شایسته‌ای!

✓ ایمانی زاینده است که همراه با تعهد باشد و ایمانی که همراهش عمل است.

بر طبق فرهنگ قرآن؛ ایمان، یک امر صرفاً قلبی نیست. درست است که ایمان یعنی باور و باور مربوط است به دل، اما قرآن هر باوری را، هر ایمان و قبول و پذیرشی را به رسمیت نمی‌شناسد. ایمان مجرد، ایمانی که در جوارح و اعضاء مؤمن شعاعش مشهود نیست؛ این ایمان از نظر اسلام ارزش ندارد. اول مومن به خدا، ابلیس است. سالیانی خدا را عبادت کرد ولی در بزنگاه که باید ایمان به کارش بیاید این ایمان به کارش نیامد و در دل ماند.

✓ در قرآن، ده ها مورد ایمان همراه با عمل صالح آمده است. الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ایمان تنها، ایمان بی تعهد، ایمان که همراه آن احساس مسئولیتی نباشد، نه به درد دنیا میخورد، نه به درد عقبی! اگر فقط تصدیق و پذیرش در صدق کلمه ایمان کافی بود ... اول مومن ابولهب یا ولیدبن مغیره مخزومی است زیرا می دانستند که رسول خدا دروغ نمی گوید و فرستاده خدا است. اگر فقط تشخیص و ایمان قلبی و باور کافی بود، عمروعاص باید اول شیعه عالم باشد! زیرا ماجرای غدیر خم را درک کرده و در پایان عمر اظهار ندامت هم می کند!
✓ چرا ابولهب را مؤمن نمی دانیم و چرا عمروعاص شیعه نیست؟

چرا اینقدر روی این مسئله تکیه می‌کنیم؟ به خاطر اینکه سالیان درازی کار شده و بسی قرن‌ها روی مغز مسلمانان، تا آنها را قانع کنند به اینکه عمل برای مسلمان بودن لازم نیست، تا به آنها بفهماند برای مومن بودن، یک دل پاک لازم است نه یک عمل پاک. کمک کرده به این دست‌های خائن و مزدور، راحت‌طلبی‌های ما، سهل‌گرایی‌های ما، پرمدعایی‌های ما، که مایلیم بهشت خدا به یک کار کوچک به ما داده شود!
- ای کسانی که ایمان آورده اید رکوع کنید و سجود به جا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا راستگار شوید.

اگر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بود ولی «ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ» نبود آیا فلاح و رستگاری هست؟!

✓ در راه خدا جهاد کنید آنچنان که شایسته مجاهدت است. **وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ**

چطور یک فردی برای روزی زندگی خود خیلی تلاش می‌کند برای خدا حتماً باید بیشتر تلاش کند چرا که عظمت کار الهی بسیار زیاد است. آن کاری که برای خدا انجام می‌دهد حشمش، کیفیتش، عمقش، نسیبش و پایداریش، بایستی به نسبت عظمت و بزرگی و عظمت خود خدا، از همه‌ی تلاش‌ها بزرگتر، پایدارتر، نستوه‌تر، خستگی ناپذیرتر باشد. «هُوَ اجْتَبَاكُمْ» اوست که شما را برگزید. یعنی چی؟ یعنی آیا خدا ما را در دانه‌های جهان قرار داده است؟ گناهیم کردیم، خطا هم کردیم، اشکالی ندارد؟!

این حرفی است که یهودی‌ها درباره خود می‌زدند. خدا امت اسلامی را انتخاب کرد ولی قبل از آن هم بنی اسرائیل را انتخاب کرده بود برای چه؟ برای اینکه آماده‌ترین فرد برای بزرگ‌ترین کار. پس باید کار بزرگ که حتماً همراه با سختی است را انسان انجام دهد. اگر برداشتند، این بار امانت را به سر منزل رساندند، البته بهترین و گزیده‌ترین و شایسته‌ترین مسلمانانند، اما اگر نه چطور؟ همان وضعی را دارند که یهود دارا شدند بر اثر حمل نکردن بار امانت: **وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ** (بقره/۶۱) این برای دنیاشان، مأواهم جهنم، آن هم برای آخرتشان! - البته از هر کسی در حد توانایی انتظار دارند.

✓ چرا این گزینش و انتخاب را انجام دادیم؟ برای چه؟ تا چه شود؟ تا شما چه کنید و به کجا برسید؟

لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ، تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، یعنی اینکه مسئول مستقیم شما، پیامبر است و مسئول همه‌ی بشریت شما هستید.

- حالا که این جور است، حالا که مسئولیت شما سنگین است، حالا که شما از طرف پروردگار دارید به ماموریتی دشوار دارید گسیل می‌شوید، **فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ** به پا دارید نماز را، **وَأَتُوا الزَّكَاةَ** بدهید زکات را، **وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ** و متوسل شوید به خدا و آیینی خدایی، پناهنده باشید به خدا، متکی باشید به خدا و از هیچ کس دیگری قدرتی دیگر نترسید. آن وقتی که راهها بر شما بسته شد، ناامید نشوید هو مولاکم خدا سرپرست و نگهبان و هم جبهه‌ی شماست. **فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ** و مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری است پروردگار.

✓ «هَاجِرُوا» هجرت کردن یعنی چه؟ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**

هجرت به معنای یکباره از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه‌ی اسلامی، به خاطر قبول تعهد در مجموعه تشکیلات جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شود. و کسانی که اینها را در خانه‌ی خود مسکن دادند و کسانی که هجرت کردند، همه یک عنصرند و با هم پیوستگی دارند. **أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ**.

اما کسانی که هجرت نکردند و ایمانشان را همراه عمل نکردند **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا** ما لکم من ولایتهم من شیءٍ حتیٰ یُهَاجِرُوا جزو شما نیستند، میان شما و آنها به هم پیوستگی نیست.

کسانی که ایمان آوردند **آمَنُوا وَهَاجَرُوا** و در راه خدا جهاد کردند **جَاهَدُوا** فی سبیل اللہ و آنهایی که پناه دادند و یاری کردند **وَالَّذِينَ آوُوا وَتَصَرَّوْا** مؤمن راستین این‌ها هستند. «اولئک هم المؤمنون حقاً»

✓ غیر این‌ها چه کسانی اند؟ مؤمن دروغین!

پایان جلسه چهارم (۹۹/۷/۵)

کپی و نشر آزاد (با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد)